

پیام چریکهای فدائی خلق ایران



به مناسبت روز جهانی کارگر!

اول ماه مه ، روز جهانی کارگر ، روز همبستگی مبارزاتی کارگران سراسر جهان است. روزی است که کارگران هر کجا که بتوانند چرخ تولید را خوابانده و با برگزاری گردهم آئی هائی بزرگ ، قدرت تشکل و اراده خلل ناپذیرشان برای مبارزه با ظلم و ستمی که روزانه بر آنها اعمال می شود را به نمایش می گذارند. هر ساله این روز فرصتی است تا کارگران آگاه به ارزیابی از مسیر های مبارزاتی طی شده و راه هائی بپردازند که برای رسیدن به مطالباتشان باید بپیمایند.

امسال کارگران جهان در شرایطی به پیشواز روز جهانی خود می روند که نظام سرمایه داری در سراسر جهان با بحرانی بزرگ دست به گریبان می باشد. بحرانی که سرمایه داران به بهانه "مقابله" با آن حقوق و دستاوردهای مبارزاتی کارگران را وحشیانه مورد یورش قرار داده و دسته دسته کارگران را از کار اخراج می کنند. با توجه به نقش غیر قابل انکار این بحران در زندگی و سرنوشت کارگران سراسر جهان جا دارد که دراین پیام کمی به دلائل و نتایج این بحران بپردازیم.

بحران اخیر که در آغاز نمود خود را در عدم امکان باز پرداخت وام های مسکن در آمریکا نشان داد ، امروز تا آنجا پیش رفته است که اقتصاد جهانی را در نوردیده و نظام جهانی سرمایه داری را با سرعت بسوی رکود می برد. به واقع آنچه که در ابتدا فروپاشی مالی در آمریکا قلمداد می شد اکنون تمام اقتصاد جهانی را به مخاطره انداخته و زندگی میلیون ها انسان را تهدید می کند.

اگر تا دیروز ایدئولوگهای بورژوازی چنین تبلیغ می کردند که "اقتصاد بازار آزاد" دیگر با بحران هائی همچون بحران خانمان برانداز دهه سی قرن گذشته که در جریان آن هزاران بنگاه ورشکسته شده و میلیون ها کارگر بیکار گشتند ، مواجه نخواهد شد و ادعا می کردند که گویا "دست نامرئی بازار" همه چیز را کنترل خواهد کرد ، حال سقوط بازارهای بورس و اجبار دولت ها در تزریق میلیارد ها دلار به نظام بانکی و ورشکستگی روزمره صنایع ، خبر از شدت بحران و رکودی می دهد که از برخی جنبه ها حتی از بحران های قبلی نیز بدتر و وخامت بار تر است. شدت بحران اخیر به حدی است که صندوق بین المللی پول در گزارش اخیرش در مورد "چشم انداز اقتصاد جهان" مجبور به اعتراف شده است که رکود اقتصادی کنونی به مراتب از "بحران بزرگ اقتصادی" دهه ۳۰ شدیدتر است. با توجه به چنین واقعیتی است که امروز در همه کشور ها، دولت ها به تکاپو افتاده اند تا تحت عنوان "طرح های محرک اقتصادی" ، با تزریق حجم بالائی از پول به بازار و بالا بردن مصرف ، از ابعاد رکود رو به رشد بکاهند و در همان حال ده ها کنفرانس محلی و بین المللی جهت چاره جویی برای مقابله با این بحران سازمان بدهند. برای نمونه سران ۲۰ کشور صنعتی در نشست لندن خود در دوم آوریل تصمیم گرفته اند که پنج هزار میلیارد دلار برای به گردش درآوردن چرخ اقتصاد خود هزینه کنند و این امر را "بزرگ ترین محرک اقتصادی در تاریخ" سرمایه داری اعلام نموده اند. اما علیرغم چنین تصمیمات به اصطلاح تاریخی، باز هم نخست وزیر انگلستان پس از کنفرانس رهبران بزرگترین اقتصاد های سرمایه داری ، مجبور شد اعتراف کند که "هیچ درمان فوری" برای وضعیت اقتصادی فعلی وجود ندارد.

حال سوالی که در این جا مطرح می شود این است که هزینه مذکور ، این "بزرگترین محرک اقتصادی در تاریخ" قرار است از کجا تامین شود؟ می دانیم که این پول قرار است به بزرگترین بانکدارها و صنایع داده شود تا با سرمایه گذاری، از توقف تولید جلوگیری کنند و بازارها را همچنان فعال نگاه دارند. پس واضح است که سرمایه دارانی که گیرنده این پول هستند نمی توانند تامین کننده آن باشند، آنچه می ماند دولت ها هستند که قرار است از خزانه کشور ها و مالیات های کارگران و توده های ستمدیده چنین حجم بالائی از پول را تامین کنند و یا با پیش فروش آینده برای حال بودجه یابی نمایند. آیا این امر بار دیگر و به روشنی نشان نمی دهد که این دولت ها و این کنفرانس ها و نهاد های مالی جهانی همه برای حفظ این نظام استثمارگرانه شکل گرفته اند و خود باید آماج مبارزه کارگران و مردم ستمدیده برای رهایی قرار گیرند؟ برآستی چرا وقتی سیستم سرمایه داری در رونق است همین دولتها حاضر نمی شوند از سود های نجومی سرمایه داران ، اندکی اخذ و آن را خرج جلوگیری از مرگ و میر کودکان از گرسنگی کنند ، اما وقتی که سرمایه داران به دلیل حرص و آز خود اقتصاد جهان را به لوزه انداخته اند دولتها چنین شتابان به یاری می شتابند؟ جواب این است که اینها دولت های مدافع سرمایه داران هستند و دولتهای سرمایه داری خود بزرگترین پشتیبان سرمایه دارانی هستند که خود عامل و مسبب این بحران می باشند.

در مورد بحران اخیر ، خود اقتصاد دانان بورژوازی در پیش بینی ابعاد آن اعتراف کرده اند که مردم تازه نوک این کوه یخ را دیده اند یعنی "این تازه اول ماجراست". این اعتراف بار دیگر هم تبلیغات دروغین سرمایه داران مبنی بر توانائی آنان در مهار بحران ذاتی سیستم سرماییداری را افشاء نمود و هم نشان داد که کمونیست ها محق بودند زمانی که می گفتند : **"جامعه نوین بورژوازی، با روابط بورژوازی تولید و مبادله و با مناسبات بورژوازی مالکیت آن ، جامعه ای که کوپی سحر آسا چنین وسائل نیرومند تولید و مبادله را بوجود آورده است ، اکنون شبیه جادوگری است که خود از عهده اداره و رام کردن آن قوای تحت الارضی که با افسون خود احضار نموده است بر نمی آید. حال**

دیگر یک چند ده سال است که تاریخ صنایع و بازرگانی تنها عبارتست از تاریخ طغیان نیروهای مولده معاصر بر ضد آن مناسبات مالکیتی که شرط هستی بورژوازی و سلطه اوست. ("مانیفست - مارکس و انگلس)

واقعیت این است که تاریخ رشد نظام سرمایه داری نشان داده که بحران ، ذاتی این نظام بوده و با موجودیت آن عجین می باشد. در هر بحرانی بورژوازی با "محو اجباری توده های تمام و کمالی از نیروهای مولده و از طرف دیگر بوسیله تسخیر بازارهای تازه و بهره کشی بیشتری از بازارهای کهنه" می کوشد به مقابله با آن برخیزد. تلاشی که البته نتیجه ای جز این ندارد که "بحران های وسیعتر و مخربتری را آماده میکند و از وسائل جلوگیری از آنها نیز میکاهد." (همانجا) این واقعیت همچون پرده نمایشی است که امروز در مقابل چشمان ما قرار دارد.

امروز بورژوازی در سراسر جهان با ادعای مقابله با بحران به انحاء مختلف به زندگی مشقت بار کارگران یورش برده ، دستمزد ها را منجمد و عملا با توجه به رشد تورم ، حقوق کارگران را کاهش داده است. در همه کشورها شاهدیم که دسته دسته کارگران را اخراج می کنند و به این ترتیب می کوشند بار بحران های خود را بدوش کارگران و توده های ستمدیده سرشکن نمایند. این واقعیت را با شدت هر چه بیشتری در کشور های تحت سلطه شاهدیم و می بینیم که هر روز بیشتر از روز قبل ، کمر توده ها در زیر فشار های جامعه سرمایه داری و سلطه امپریالیستی خم می شود و کارد هر چه بیشتر به استخوانشان رسیده است .

این شمایی از وضعیتی ست که کارگران سراسر جهان در چارچوب بحران کنونی شاهد بوده و بطور روزمره قربانی عواقب آن می باشند. در چنین اوضاع و احوالی در هیچ کشور سرمایه داری و از جمله در ایران نمی توان شاهد تلاش کارفرمایان برای کم کردن دستمزدها و افزایش ساعات کار و در حقیقت تحمیل نرخ استثمار فزونتر به کارگران نبود . روشن است که هر چه صفوف طبقه کارگر پراکنده تر باشد و هر چه قدرت سیاسی مستبد تر عمل نماید شرایط کار و زندگی کارگران بدتر و فاجعه بار تر خواهد بود. به همین دلیل هم هست که در زیر سلطه دیکتاتوری حاکم بر ایران می بینیم که نه تنها دستمزد ها را کاهش داده اند بلکه در پرتو حمایت جمهوری اسلامی از سرمایه داران ، از پرداخت همین دستمزد های ناچیز نیز خود داری می کنند؛ و حتی رسماً از قانونی کردن جلوگیری از افزایش دستمزدها سخن گفته می شود. در چنین شرایطی است که در حالی که روزی نیست که طریق جدیدی برای چپاول و سرکوب کارگران اختراع نکنند ، کارگران را به خاطر تلاش برای برگزاری روز جهانی خود به شلاق می بندند.

به واقع سلطه سرمایه داری در همه جا و از جمله در ایران نشان داده که کارگران چه در شرایط رونق و چه در شرایط رکود سیستم سرمایه داری قربانیان این سلطه استثمارگرانه می باشند؛ قربانیانی که اگر نمی خواهند به این وضع فلاکت بار تمکین کنند چاره ای ندارند جز اینکه متشکل شده و با شکل دادن به سازمان انقلابی خود راه شرایط رهایی خویش را هموار سازند.

این واقعیتی است که سرمایه داری با نابودی "توده های تمام و کمالی از نیروهای مولده" که نیروی کار ، بخش بزرگی از آن را تشکیل می دهد به مقابله با بحران بر می خیزد. در عین حال بورژوازی با این کار عملاً شرایط شکل گیری بحران های بزرگتری را تدارک می بیند. اما تاریخ سرمایه داری نشان داده که راه واقعی نجات از این بحران ها فرا رفتن از محدوده مالکیت خصوصی و گام گذاشتن در راه سوسیالیسم می باشد.

اول ماه مه روز جهانی کارگر روزی که کارگران جهان با برگزاری میتینگ ها و نمایشات خیابانی قدرت طبقاتی خود را به نمایش گذاشته و آنرا ارزیابی می کنند بهترین فرصتی است که بار دیگر به خاطر آوریم که طبقه کارگر در سرود بین المللی خود ندا سر داده است که:

**"کسی نبخشید رهایی به ما ،
نه یزدان و نه شاه و نه قهرمان ،
رهایی خود را بدست آوریم ،
همانا به نیروی بازویمان"**

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

نابود باد نظام ظالمانه سرمایه داری در جهان!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران – ۶ اردیبهشت ۱۳۸۸